



www.esteqlaal.net



anwari@netzero.com

جمعه ۱۲ اکتوبر ۲۰۱۸

ناتور رحمانی

کجا شد افتخار ما ؟

از شکوه زمانه ها
واژه های برجیدند
تا نامی شود بر اعتبار پارینه ها
تا سرزمینی را عروج و افتخار گردد
ولی ، سوگمندها
شمایل هرآنچه نکوهنده بود
دود اندود بدخواهی
و تن هزارپاره شد
برای کرگس ها
برای جشن لاشخورها
هرکجا گوری آبله شد بر کف زمین
و آفتاب هزار پاره از انفجار
در مدار شب خوابید
اسقاط خوران به دوران رسیده
در هر ضلع ظلمت
به کمین نشستند
و در هر غروب خونین رنگ
در هر جای تصویر کلانی از خود را آویختند
و قهرمانش نامیدند
روزگار چنین به خود ندیده بود
که کرم های خاکی ، بالدار شوند

و برفراز شهرها خود را بنمایند
که ما ستاره ایم ، فرشته های نجاتیم
ما همان قسمت خوب حیاتیم
در واقع این ها اهریمنان مرگ بودند
و پیام آوران شر و فساد
همین که به دولت رسیدند
در هر دور از تاریخ خودکامگی
آفتاب را دزدیدند
به باغ و باغچه ها زهر پاشیدند
آینه ها را شکستند
زلزال آب و نفس هوا را مسموم ساختند
این همه بس نبود که
بخیه بر لب ها زدند
تبسم را گلو بُریدند
رخشان و رخشانه
روشنایی ، فروغ و فرخنده را
سنگسار کردند
و میخ بر فرق باور مردم کوبیدند
سرزمینی که برچشم و دل عروج نشد
افتخار نشد ، خارشد و خوار شد
دگر ماندن و بودن
در تنگناه فاجعه
زیر باران مرگ سخت شد
که تنها ترین تحفه گلوله بود
و آشنا ترین بوی

بوی سوختگی تن آدم و حیوان
زمین و آسمان
بوی خون ، بوی کافور گرفت
این سرزمین
که دگر برایش نه (سر) ماندند و نه (زمین)
مقاطعہ کاران دلال
از جنس خاک فروشان بی بدیل
با بستن هر پیمان ننگین با اشغالگران
نامی برایش انتخاب کردند
انقلاب ، جهاد ، امارات اسلامی
دموکراسی ، حکومت وحدت ملی و ...
اما ، انتظار برای دیدن واقعیت ها
در داربست هر فردا بی معنا شد
آنهای که به ظاهر زنده ماندند
اسیر های که چشم شان
نقش سیم های خاردار گرفت
هر روز پی روز دگر دیدند
که ابلسیان
با تکرار اورادی از کتیبه ی تازیان
از بلندگو های تبلیس و تظاهر رژیم شان
گوسفند ها را پروار می سازند
تا حمال طلسم مرگ و نابودی تمام شوند
و با انفجار خود اجاره دار فردوس گردند
اسیر ها با درد های سترون می بینند
که فرعونیان نان را در هاون فقر می کوبند

و قدسیت را در گذر عام به دار می آویزند
می بینند که عشق

محکوم به مرگ فجیع و سنگسار است
و ویرانه ها سنگ می زاید
دلایان خاکی

برای معامله های کلان

واژه ها را رنگ می کنند

و با آنها فرهنگ دگر می سازند

تا داغداران تاریخ

حقیقت افتخار سرزمین شان را

در ذهن متعفن زمان گور کنند

به جای آن همه نام های فریبنده

که مقاطعه کاران وعده می دهند

توهین ، تحقیر ، تهدید ، تجاوز و گلوبریدن قانون می شود

توهین به خرد

تحقیر به آزادی بیان

تهدید انسانیت را

بریدن گلوی بی گناهان

تجاوز به کودکان

در قاموس این وجدان مُرده ها

هرکی دزد کلان باشد

تجربه ، سجره و برنامه کاری داشته باشد

به موقف کلانتری می رسد

قانون این جنگلیان چنین است

هرآنکو دستش به خون مردم بیشتر آلوده باشد

و در وطنفروشی شهره باشد
سردار قبیله انتخاب می گردد
باز اگر مُردار شد شهید
و اگر زنده ای بدنام باشد قهرمانش می نامند
و نشان افتخار به سینه اش می زند ؟ !!
هموطن !

بنگر کجا شد اقتدار ما
شکوه و افتخار ما ؟
هر دو در گروی افکار قرون وسطایی طالب
در گروی بربریت و تفنگ داعش
طالب و داعش نشسته در ارگ
آن پیام آوران بربادی و مرگ
نابود گردید

هموطن !
هر کی ، از هر کجای این دردآباد که استی
به هر قوم و نژادی که تعلق داری
هر نام و زبانی که هویتت را می رساند
باورکن که همه باهم
با همبستگی و همصدایی
با یک جهش ، با یک عصیان
با فریاد انقلاب
از سنگر انقلاب
دوباره به شکوه ، اقتدار و افتخار می رسیم .
(ناتور)